



<http://www.arianafghanistan.com>



۲۰۱۹/۰۸/۱۵



س.ح. روغ

به اوضاع جاری وطن چگونه بنگریم؟  
گفتار سی و یکم

## یکجای و یک آواز «وز وز» کنیم!



همان طوری که پیش بینی کرده بودیم، هند در مقابل یک تحول عکس العمل داد، که امتیازات یکجانبه در منطقه بنفع پاکستان تجویز بکند؛ هند اصل ۳۷۰ قانون اساسی را لغو کرد؛ این اصل یک وضعیت خاص برای کشمیر را پیش بینی می کرد که با اصول فدرال حکومت هند تناقض داشت؛ همزمان با لغو اختیارات خودمختاری کشمیر، هند حضور نظامی خود را در کشمیر تقویت کرد؛

این وضع در پارلمان پاکستان بحث های شدیدی را برانگیخت؛ احزاب مخالف، عمران خان را متهم ساختند که در برابر «بدست آوردن» افغانستان، کشمیر را تسلیم کرده است؛ آصف وزیر خارجه قبلی پاکستان گفت سیاست ما اصلاً تنها بدست آوردن افغانستان نبود؛ سیاست ما این بوده که هم افغانستان و هم کشمیر، هر دو، را قبضه کنیم؛ شهباز شریف، برادر نواز شریف، از حزب مسلم لیگ گفت انصاف نیست که کابل صلح شود؛ و کشمیر بسوزد؛ این معامله باید سرچپه شود!

عمران خان خواست گفتگو های خود در واشنگتن را کم رنگ بسازد و گفت که در واشنگتن اختصاصاً در مورد کشمیر صحبت نکرده است و فقط پیشنهاد هایی کرده که هدف اساسی آن ها رشد اقتصادی در جنوب آسیا با ختم تنش ها پیرامون کشمیر بود؛ اما بنظر می رسد که اتهامات شهباز شریف بی پایه نبوده اند؛ و عمران خان حقیقتاً در واشنگتن چنین صحبت هایی کرده است؛ چون پرزیدنت ترامپ در رابطه با همین صحبت های عمران خان در باره کشمیر، گفته بود که حاضر است در میان هند و پاکستان میانجیگری کند؛ حکومت هند بلافاصله این پیشنهاد را رد کرد؛

این اظهارات که رسماً در پارلمان پاکستان صورت گرفته اند، از یک طرف عمق نیات و معاملات پنجابی ها در باره وطن و هموطن افغان را افشا می کنند؛ و خاصتاً از این لحاظ مورد توجه هستند که در همین روزها گویا زیر نظر حکومت پاکستان پیمان امریکا با طالبان منعقد میشود؛ اما از طرف دیگر نشان میدهند که هند در تصامیم خود با

امریکا مشوره نکرده است؛ پاکستان اعلان کرد که اگر هند به این اقدامات اصرار کند، صلح افغانستان صورت نخواهد گرفت؛ پاکستان هیأتی به دوحه فرستاد تا طالبان را از قرارداد عقد آتش بس منع کند؛ پاکستان از امریکا خواست که فوراً مانع هند شود؛ وزارت خارجه پاکستان گفت که در این زمینه اختلاف عمیقی در میان پاکستان و امریکا بوجود آمده است؛ پاکستان تشنج در سرحدات با هند را تشدید کرد؛ اما فقط در میان دو روز پاکستان از موقف تعرضی در برابر هند عقب نشست؛ عمران خان از یک طرف امر تیاری جنگی را صادر کرد و از طرف دیگر در پارلمان پاکستان گفت که بسیار جنگ جنگ نگویند! چون این جنگ، یک جنگ اتمی خواهد بود؛ و این جنگ برنده ندارد!

دو چیز معلوم نیست:

یکی این که آیا پاکستان در مقابل هند چانس غلبه دارد؟

در زمان پرویز مشرف، یکبار پاکستان هند را به جنگ اتمی تهدید کرد؛ هند عقب نشست؛ و حکومت هند سقوط کرد؛ اما اکنون این حالت عوض شده است -

فقط چند هفته قبل مودی گفته بود که هند اینک «بمب اتمی مادر» را در اختیار دارد؛ و گفت تا حال هند در برابر پاکستان زاری می کرد؛ اما امروز پاکستان باید به پای هند بیافتد و زاری کند؛ اظهارات عمران خان درباره زرادخانه اتمی پاکستان در واشنگتن نشان داشت از این که پاکستان در مسابقه تسلیحاتی در مقابل هند شکست خورده است؛ و توان ادامه این مسابقه را ندارد؛

دیگری این که معلوم نیست امریکا تا کدام اندازه قادر است بحران کنونی هند - پاکستان را مهار کند؛ زیرا این بحران اصلاً عکس العمل هند است در مقابل امتیازاتی که امریکا برای پاکستان در معامله افغانستان می خواهد بدهد؛ و چنین معلوم می شود که دلایل امریکا برای هند قناعت بخش نبوده اند؛ هند قاطعانه موضع گرفت که حاضر نیست امتیاز پاکستان در افغانستان را بپذیرد؛ حد اقل چیزی که هند اکنون از امریکا میخواهد «تمام» کشمیر است!

بنظر می رسد که هند در گام نخست کشمیر پاکستانی را تصرف خواهد کرد؛ و بنظر می رسد این بحران بطرف یک جنگ میان هند و پاکستان انکشاف خواهد کرد؛ این که این جنگ، آیا یک جنگ اتمی هم میشود، به تصادفات زیادی بسته است؛ اما هند گفته است که عسکرش در ظرف ۸ ساعت در اسلام آباد خواهد بود؛ و این که هند برتری خود در این جنگ را چقدر جدی می گیرد، از روی یک مثال حدس می زنیم؛ در جنگ هوایی چندی پیش در میان هند و پاکستان، یک طیاره هندی سقوط داده شد؛ حکومت هند در رابطه با این حادثه قوماندان عموی هوایی و مدافعه هوایی هند و یک تعداد از افسران عالیرتبه قوای هوایی خود را معزول کرد؛ بعید می دانیم که در سیستم بسیار فاسد پاکستان، چنین جدیت در اردوی آن کشور متصور باشد! مطبوعات می گویند: «هند ... برای حمله بر پاکستان لحظه شماری می کند یا لا اقل از عوامل بحران که منجر به جنگ تمام عیار با پاکستان گردد، هیچ هراسی ندارد»

ایران که از نزدیکی پاکستان و امریکا نگران است، در غایله هند- پاکستان پیشنهاد وساطت کرد؛ و ایران به سهم خود موافقه میان امریکا و طالبان را مسترد کرد؛ ظریف گفت چگونه یک موافقه ای درباره افغانستان را میتوان جدی گرفت، که در آن حکومت افغانستان حضور نداشته باشد؟ کشور های آسیای میانه هم طی اجلاس مشترکی بر صلح افغانستان در تحت مالکیت دولت افغانستان تأکید کردند؛

پاکستان فرمایش داده است که پیمان امریکا و طالبان در روز ۱۴ اگوست امضا شود؛ در این روز، ۷۲ سال پیش، پاکستان تأسیس شد؛ پاکستان روز استقلال ندارد؛ پاکستان روز تأسیس دارد؛ و پاکستان بخاطر داشته باشد که فقط ۴ روز پس‌انتر، افغانستان صدسالگی استقلال خود را تجلیل می‌کند؛ پاکستان بخاطر داشته باشد که افغانان استقلال خود را واگذار نخواهند کرد؛ بگفت غنی: «دا گز، او دا میدان!!»

• در کابل در برابر این کوشش پاکستان که انکشافات کشمیر با انکشافات افغانستان ربط داده شود؛ و این دو یکی با دیگری مشروط ساخته شود، شدیداً اعتراض شد؛ نه تنها حکومت افغانستان، بل شخصیت های سیاسی بیرون از حکومت، و حتی طالبان به چنین کوشش های پاکستان شدیداً اعتراض کردند؛

• در کابل تیم های انتخاباتی یا فروپاشیده اند؛ و یا از شرکت در انتخابات منصرف می شوند؛ دلیل، و تبلیغ، اکثر این تیم های انتخاباتی این است که موافقه میان امریکا و طالبان، دیگر جایی برای انتخابات نمی گذارد؛ و می گویند که طالبان انتخابات را قبول ندارند؛ و به فیصله اهل حل و عقد پایبند هستند؛ و می گویند که صلح بر انتخابات مقدم است اول صلح بیاید، تا بعداً انتخابات شده بتواند:

«تا زمانی که صلح در افغانستان نیاید، انتخابات سرتاسری امکان ندارد!»

جناب کرزی هم در باره اوضاع جاری کشور مصاحبه ها داشت که فشرده آن چنین است :

«امریکایی ها مدت هاست ما را فریب می دهند، اما این نمی تواند برای ابد ادامه یابد. آنها سعی کردند توضیح دهند اما بهانه های آن ها بیانگر هیچ چیزی نیستند، آن ها پوچ هستند. امریکا از مدت ها بدین سو ما را بازی می دهد؛ آن ها باید بطور کامل از افغانستان بروند، آنگاه در کشور آتش بس آغاز خواهد شد .

این جنگ را امریکاییان ایجاد کرده است. وقتی آن ها بروند، جنگ قطع خواهد شد. ببینید، ما طی ۱۸ سال با چه سرو کار داریم. ببینید، با حضور آن ها در افغانستان مردم چه تلفات عظیم متحمل شده اند. به این نگاه کنید که با وجود جنگ نام نهاد آن ها با تروریزم، تروریزم نه تنها از بین نه رفته، بلکه در حضور آن ها و تحت نظارت آنها تقویت شده است. داعش در کشور ما پنج سال قبل، در دوران استقرار کامل نیرو های امریکایی، ریشه دوانده است . در جریان ۱۸ سال امریکا بطور کامل بر مخفیگاه های تروریستان در پاکستان چشم پوشی می کرد. حالا آن ها می گویند که از اسلام آباد می طلبند که کار آن ها را یک طرفه کند. ولی چرا آن ها این کار را قبلاً انجام نمی دادند؟ امریکایی ها باید بطور کامل از افغانستان بروند. در این جا جای نه برای اردوی آن ها، و نه برای استخبارات آن ها، وجود ندارد. اگر آن ها این {حضور} را می خواهند، پس فقط باید حضور دیپلوماتیک را حفظ نمایند . خروج آن ها، ما فقط این را می خواهیم!

... ما فقط می خواهیم در یک کشور عادی زندگی کنیم . ما خواستار آتش بس هستیم. باید به کشتار در بین مردم افغانستان خاتمه داده شود. حکومت انتقالی نمی تواند راه حلی باشد.

طالبان بخشی از کشور ما هستند. آن ها باید با مردم صحبت کنند و زندگی با عزت را با ما پیش برند. اگر مداخله خارجی وجود نداشته باشد، آن ها می توانند با همه افغان ها در صلح زندگی کنند. آن ها باید مانند سایر افغان ها

زندگی کنند، بخشی از سیستم سیاسی و اداری کشور باشند. آن‌ها می‌توانند در انتخابات شرکت کنند، نامزد های خود را برای انتخابات ریاست جمهوری و پارلمانی معرفی کنند. آنها می‌توانند وزیر شوند. اگر انتخابات صادقانه باشند و طالبان حزب سیاسی دارند، همه چیز ممکن است. در عین حال، آن‌ها باید ببینند که دیگران نیز می‌توانند پیروز شوند.»

این اظهارات جناب کرزی از هر نظری که ارزیابی شوند، نشان می‌دهند که متأسفانه اساسات و میانی اعتماد متقابل در میان افغانان و امریکاییان به شدت صدمه دیده است؛ و در افغانستان در صداقت‌هایی تردید پیدا شده که مثلاً طی کوشش‌های مداوم جناب داکتر خلیل‌زاد انتظار می‌رفت که مردم افغانستان به آن باور و تکیه کنند؛ این عدم اعتماد متقابل، حتی، بر مذاکرات میان طالبان و امریکا سایه افکنده است؛ و هر دو طرف کوشیدند حتماً ضمانت‌ها و ضمانت‌گران بعدی به میدان شوند؛ توجه نمی‌شود که مشکل، در یافتن ضمانت‌گران نیست؛ مشکل در این است که این ضمانت‌گران نمی‌توانند از چیزهایی ضمانت بدهند که ضمانتی برای آن‌ها وجود ندارد!

در این احوال تیم داکتر غنی به کارزار انتخاباتی با قاطعیت ادامه می‌دهد؛ در سال‌های اخیر این بار نخست است که ما شاهد چنین گفتارهای سیاسی می‌باشیم که یک اندیشه نو در باره آینده افغانان و افغانستان را به پیش می‌کشند. غنی و تیم وی موفقانه کوشش می‌کنند توجه مردم را به وطن، به استقلال، به جمهوری، به رد قاطعانه امارت، به وحدت ملی، به اراده همگانی مردم ما برای ختم جنگ و آوردن صلح، به ترقی و تعالی کشور، جلب کنند؛ غنی و تیم وی موفقانه میکوشند توجه مردم را جلب کنند به این که وارد اقدام سیاسی برای تعیین سرنوشت خود شوند؛ امریکایی‌ها با چنین یک انکشاف سیاسی، اصولاً، موافق هستند؛ اورتگس سخنگوی وزارت خارجه امریکا گفت: «ما از مردم افغانستان می‌خواهیم که سرنوشت حکومت خودشان انتخاب کنند. ما می‌خواهیم که جنگ پایان پیدا کند»

در این حال غنی به تأکید گفت اول انتخابات، بعد از آن صلح! تیم غنی با قاطعیت در برابر تقاضاهایی مقاومت می‌کند که می‌خواهند انتخابات دایر نه شود؛ این صداها به کمک نشرات متعدد اشاعه می‌شوند؛ انفجاراتی که در کابل و دیگر شهرها صورت می‌گیرند، با این نشرات همصدا ساخته می‌شوند و کوشش میشود مردم به خانه‌های شان برگردانیده شوند؛ جاوید کوهستانی نوشت که یگان سفارت مصروف است که کاندیدان انتخابات را به خانه‌های شان بفرستد؛ و این حالت برای یک عده که اصلاً خبر نداشتند چرا کاندید شده‌اند، و چی می‌خواهند بسیار کمک کرده است که تیر خود را بیاورند: خو دیگه! انتخابات همیشه! آگه نی مه...!!!

گفته می‌شود که در موافقات امریکا با طالبان هم لغو انتخابات درج خواهد بود؛ داکتر محب گفت: «افغانستان کدام ایالت امریکا نیست که در اینجا انجام دادن و یا انجام ندادن انتخابات بر اساس تصمیم آنان صورت بگیرد؛ افغانستان یک کشور مستقل است؛ ما تصمیمات خود را خود ما می‌گیریم؛ و به هیچ کس هم حق مداخله نمی‌دهیم؛ انتخابات در وقت و زمان خود حتماً انجام خواهد شد»

چرا چنین می‌شود؟

چون در صورت تدویر انتخابات یک قدرت منتخب در افغانستان تأسیس می‌شود؛ و این قدرت می‌تواند در برابر دیکتات‌ها، و موافقتنامه‌ها، و قراردادها «نی» بگوید؛ کوشش برای ملغی قرار دادن انتخابات، در اصل کوشش برای

سلب صلاحیت از مردمی است که بی آن هم چیزی برای شان نمانده است؛ کوشش برای ملغی قرار دادن انتخابات یک بخشی از همان فریب عظیمی است که بر علیه افغانان براه انداخته شده است!

این تردید ها به صفوف روشنفکری افغانستان هم راه یافته است؛

از کابل می خوانیم:

«ارگی ها در حل عادی ترین واقعیت های کشور که همانا امنیت و عدالت انسانی است باز مانده اند. این ها به تعدیل سیاست خصوصی سازی و طنفروشی تن در نمی دهند. خلیزاد و مقامات رادیکال و جنگ طلب در درک ساده ترین واقعیت های استراتژی و دکترین افغان که تأمین صلح است، باز مانده اند و ناتوان اند!»

در اینجا، در اروپا هم، از صفحات فیسبوک، می خوانیم:

«انتخابات در سایه اشغال معنی ندارد! این دولت با فساد ذاتی نهادینه شده، فاقد هرگونه داعیه و انگیزه شریفانه ملی، مترقی و آزادی خواهانه می باشد... تحریم انتخابات یکی از وجایب ملی و تاریخی مردم افغانستان است!»

سوال این نیست که این گفته کدام حقایق را بما نشان می دهند؟ سوال در این است که این گفته ها کدام راه را بما نشان می دهند؟ خیلی مهم تر این که این گفته ها نمی توانند ما را رهنمایی کنند که از کدام راه به رهایی برسیم؟ ما اندیشه سیاسی را بطرف یافتن راه های رهایی دور بدهیم؛ و در این مسیر در نظر بگیریم که روشنفکر دیروز افغانستان، مهم ترین چیزی که هم اکنون بدست دارد، همان حق رأی است؛ و روشنفکر ما باید بیاموزد که از این حق خود استفاده کند؛

حق رأی را برای تأسیس اراده همگانی بکار بگیریم!

ازینجاست که نه گفتن به اشغال، معادل به نه گفتن به انتخابات نیست!

یک قصه می کنیم از اسوه و اسطوره نهضت آزادیخواهی ضد استعماری هند، از مهاتما گاندهی؛ گاندهی زمانی برای هندیانی سخن می گفت که راه خود را در مبارزه بر علیه استعمار نمی یافتند؛ وی گفت:

«مگس را خو می شناسید، نی؟ یک حشره ایست که نه خزیدن میداند؛ نه پریدن می داند؛ و نه کسی به وز وز یک مگس کدام ارزشی قایل است؛ اما اگر ۳۵۰ میلیون مگس یکجای شوند و همزمان وز وز کنند، پرده های گوش همه اشغالگران را می درند؛ و اشغالگران را به فرار مجبور می سازند!

ای مردم هند! شما جدا جدا، از همان یک مگس هم بی ارزش تر هستید؛ اما اگر یکجای با هم اراده کنید، شما ۳۵۰ میلیون تن هستید که هیچ اشغالگری نمی تواند در برابر شما مقاومت کند! یکجای با هم «وز وز» کنید، تا گوش جهان از هم بدرد!»

چنین است عزیزان!

کارکرد اشغال و ترور، این بوده است که هزاران دلیل و عامل برای نفاق افگندن در میان افغانان بوجود آورد، تا یک اراده ملی ضد جنگ و ضد اشغال بوجود نیاید!

به بازی های قدرت ننگریم! به زمینه های اصلی تأسیس اراده ملی بنگریم!

پس با هزاران دلیل برای تأسیس یک اراده ملی کار کنیم، تا بتوانیم سرنوشت خود را بدست بگیریم!

انتخابات یکی از راه های تأسیس اراده ملی هست! ما نمی توانیم و حق نداریم انتخابات را استفاده نشده بگذاریم و بگذریم!

به انتخابات بپیوندیم، تا یک دولتی داشته باشیم که آن را مورد پرسش قرار داده باشیم!

\*\*\*\* \*\*

تذکر:

هرگاه خوانندگان محترم متمایل باشند که نبشته ها و مطالب دیگری از این نویسنده را مطالعه کنند، می توانند با "کلیکی" بر عکس نویسنده در صفحه مقالات، به "آرشیف" شان رهنمائی شوند!



به اوضاع جاری وطن چگونه بنگریم؟ (۳۱)

Rogh\_h\_۴۱\_ba\_aozaaye\_watan\_tshiguna\_bengarem\_۳۱.pdf